

The Model of Solving Ethnic Conflicts from the Perspective of the Holy Qur'an¹

Mohammad Nasim Jafari²  Hasan Kheiri³  Mohsen Qanbari Nik⁴ 

2. Ph.D. student, Quran and Social Sciences, Jamiat al-Mustafa Al-Alamiya, Qom, Iran
(corresponding author). Email: mnjafari25@gmail.com

3. Associate Professor, Islamic Azad University, Qom, Iran.
Email: hassan.khairi@gmail.com

4. Assistant Professor, Department of Communication and Cultural Propagation, University of
Islamic Education and member of the Social Studies Department of Al-Mustafa Society
Humanities Institute. Qom. Iran. Email: ghanbarinik@maaref.ac.ir



Abstract

One of the challenges that human societies, especially multi-ethnic countries, including Islamic countries, have faced since ancient times is ethnic conflicts in racial, cultural and political aspects. Considering that these conflicts are going on in Iraq, Afghanistan, Pakistan, Syria, Turkey and the like, it is very important and necessary to think and study to find solutions to this problem from the perspective of the Holy Qur'an. Based on this, the present article, by referring to the Holy Qur'an raises the question, "What are the solutions of the Holy Qur'an to solve ethnic conflicts in racial, cultural and political aspects?" and it has tried to obtain and present a model based on the word of God (the Qur'an) using the inferential method and with the help of the interpretation of the verses of

1. **Cite this article:** Jafari, M. N., Kheiri, H., & Qanbari Nik, M. (1403 AP). The Model of Solving Ethnic Conflicts from the Perspective of the Holy Qur'an. *Islam and Social Studies*, 11(44), pp. 127-156. <https://doi.org/10.22081/JISS.2024.65946.2010>.

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 30/05/2023 • **Revised:** 24/11/2023 • **Accepted:** 18/01/2024 • **Published online:** 01/06/2024

© The Authors



the Holy Qur'an. The findings of the study suggest that in the aspect of racial differences, the Holy Qur'an negates racism, prejudice, discrimination, avoiding racial ridicule and the like, and in the social and cultural aspect, by inviting all people of the human community to observe social cohesion, accept cultural differences, and interact and unite, and in the political dimension, by recommending political participation, meritocracy, social justice, this article has presented solutions and a superior and effective model that is different from the existing ruling models in order to solve political-ethnic conflicts.

Keywords

Nation, ethnicity, ethnic conflicts, solution, The Holy Qur'an.



الگوی حل منازعات قومی از منظر قرآن کریم^۱

محمدنسیم جعفری^۲  حسن خیری^۳  محسن قنبری نیک^۴ 

۲. دانشجوی دکتری، قرآن و علوم اجتماعی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول).

Email: mnjafari25@gmail.com

۳. دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

Email: hassan.khairi@gmail.com

۴. استادیار، گروه ارتباطات و تبلیغ فرهنگی، دانشگاه معارف اسلامی و عضو گروه مطالعات اجتماعی

مؤسسه علوم انسانی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: ghanbarinik@maaref.ac.ir



چکیده

یکی از چالش‌هایی که جوامع بشری، به‌ویژه کشورهای چندقومیتی از جمله کشورهای اسلامی از قدیم تاکنون با آن مواجه بوده‌اند، منازعه‌های قومی در ابعاد نژادی، فرهنگی و سیاسی است. با توجه به اینکه در عراق، افغانستان، پاکستان، سوریه، ترکیه و مانند آن، این منازعات در جریان است؛ تأمل و بررسی پژوهشی برای دستیابی به راهکارهای حل این مسئله از منظر قرآن کریم دارای اهمیت و ضرورت بسیار است؛ براین اساس، نوشتار حاضر با طرح این پرسش که: «راهکارهای قرآن کریم برای حل منازعات قومی در ابعاد نژادی، فرهنگی و سیاسی چیست؟» به سراغ قرآن کریم رفته است و تلاش کرده با استفاده از روش استنباطی، الگویی مبتنی بر کلام وحی با کمک گرفتن از تفسیر آیات قرآن کریم به‌دست آورده و ارائه کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، قرآن کریم در بُعد تفاوت‌های نژادی با نفی نژادپرستی، تعصب، تبعیض، پرهیز از تمسخر نژادی و مانند آن و در بعد اجتماعی و فرهنگی نیز با دعوت از همه افراد اجتماع انسانی به

۱. **استناد به این مقاله:** جعفری، محمدنسیم؛ خیری، حسن؛ قنبری نیک، محسن. (۱۴۰۳). الگوی حل منازعات

قومی از منظر قرآن کریم. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۱(۴۴)، صص ۱۲۷-۱۵۶.

<https://doi.org/10.22081/JISS.2024.65946.2010>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسنده گان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۰۳ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۸ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰



رعایت انسجام اجتماعی، پذیرش تفاوت‌های فرهنگی و تعامل و وحدت و در بعد سیاسی، با توصیه به مشارکت سیاسی، شایسته‌سالاری، عدالت اجتماعی، راهکارها و الگویی متعالی و اثربخش و متمایز از الگوهای حاکم موجود، برای حل منازعات سیاسی - قومی ارائه کرده است.

کلیدواژه‌ها

قوم، قومیت، منازعات قومی، راهکار، قرآن کریم.



بیان مسئله

کمتري کشوري را در جهان مي توان پيدا کرد که ساکنان آن را گروه قومي واحدی تشکیل داده باشند، شهروندان بسياری از کشورهای جهان، متشکل از گروه های قومي گوناگون است؛ هرچند تنوع قومي در صورتی که درست مدیریت شود، يک ظرفيت است که رنگين کمان اقوام را به نمايش مي گذارد؛ اما گاهی همين تنوع قومي؛ نژادی، زبانی و فرهنگي، ظرفيت بالقوه را برای وقوع اختلاف و تنش های قومي در بيستر جوامع جهان پديد مي آورد؛ زیرا تنوع قومي در يک اجتماع انسانی، گاهی تحت تأثير عوامل درونی و يا بیرونی منجر به منازعات قومي می شود.

در طول تاريخ، در جوامع چندقومي، منازعه ها و ستيزه های قومي وجود داشته که گاهی تا سرحد درگيري ها و جنگ های خونين داخلي پيش رفته و باعث ويرانی جوامع شده است. در زمان کنونی نیز منازعات قومي، یکی از مشکلات و چالش های اساسی است که بسياری از کشورها از جمله کشورهای اسلامی مانند: عراق، افغانستان، سوریه و برخی از جوامع آفريقايی و اروپايی را دچار بحران کرده و منجر به جنگ های خونين قومي گردیده و سبب ناامنی، کشتار، ويرانی و عقب ماندگی اين کشورها و زمينه ای برای مداخله کشورهای خارجي شده است.

در مجموع، منازعات قومي يا به دليل تفاوت های زيستی و نژادی به وجود می آید؛ زیرا برخی از گروه های نژادی خود را برتر از ديگران تلقی می کنند و يا به دليل تفاوت های فرهنگي، مذهبی و زبانی شکل می گيرد که برخی از گروه های قومي، فرهنگ خود را برتر از فرهنگ گروه های قومي ديگر می پندارند و يا به سبب رسيدن به قدرت سياسی و تصاحب مناصب حکومتی، ايجاد می شود که برخی از گروه های قومي، خود را برای تصاحب مناصب سياسی، مستحق تر از ديگران می دانند و گاهی اين منازعات در اثر عامل اقتصادی يا برخی عوامل ديگر، ايجاد می شود. اين تحقيق، سه عامل تفاوت نژادی، فرهنگي و انحصار سياسی - قومي را در منازعات جاری در کشورهای اسلامی برجسته تر ديده و به راهکارهای قرآنی حل اين منازعات می پردازد.

نظریه پردازان علوم اجتماعی برای تبیین بحران‌های قومی عمدتاً بر جنبه‌های ساختاری جامعه و عوامل درونی؛ مانند: انحصار موقعیت‌های عمده اجتماعی، توزیع نابرابر و غیرعادلانه فرصت‌ها و تبعیض اجتماعی تأکید نموده‌اند (قدیمی و حامد قاسمی، ۱۳۹۱، ص ۷۹). نظریه پردازان علم سیاست، بیشتر بر نقش نخبگان و رهبران فکری و قومی در ایجاد همبستگی و هویت‌سازی قومی و ابعاد سیاسی بحران‌های قومی تأکید داشته و مشارکت سیاسی، مشروعیت نظام سیاسی و علایق قومی را مورد توجه قرار داده‌اند (دعاگویان و عبدالرحمانی، ۱۳۹۶). روان‌شناسان اجتماعی با متمرکز ساختن توجه خود بر افراد و تعاملات بین گروه‌های کوچک، در پی یافتن شیوه‌هایی هستند که مردم، گروه‌ها و ملت‌ها را به هم نزدیک سازند. نگرش اقوام و گروه‌ها به ملیت و قومیت خود و دیگران و اینکه احساسات قوم‌مداران یا ملی‌گرایانه به چه نحوی در موقعیت‌های مختلف میان افراد و گروه‌ها بروز می‌کند، نقطه‌عزیمت روان‌شناسان اجتماعی در مطالعه منازعات قومی است (مقصودی، ۱۳۷۸).

در یک ارزیابی کلی، می‌توان گفت که اندیشمندان هر رشته علمی با رویکرد خاص خود، به مطالعات قومی پرداخته و به منازعات و ستیزه‌های قومی توجه کرده‌اند. عالمان سیاست به عوامل سیاسی منازعات قومی، جامعه‌شناسان به زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی ستیزه‌های قومی، اقتصاددانان به علل اقتصادی منازعه‌ها و درگیری‌های قومی و سرانجام روان‌شناسان اجتماعی به عوامل ذهنی و روانی - اجتماعی منازعه‌های قومی توجه کرده‌اند.

در مجموع با مطالعه نظریه‌های مطالعات قومی، می‌توان مواردی را به‌عنوان عوامل یا بسترهای شکل‌گیری منازعات قومی برشمرد؛ مفاهیمی همچون برتری طلبی نژادی، قومی، تبعیض قومی، انحصار طلبی قومی، بی‌عدالتی، تحقیر و تمسخر قومی، تحمیل فرهنگی، اختلاف قومی و مانند آن. برای حل این منازعات مفاهیمی همچون: عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، شایسته‌سالاری، پذیرش تنوع فرهنگی، مشارکت سیاسی، تساهل و مدارا، تکثرگرایی اجتماعی، محبت و نیکی، گذشت و بخشش، امنیت اجتماعی و... قابل طرح است.

این تحقیق در قالب روش تفسیر استنطاقی شهید صدر، مفاهیم فوق را به قرآن کریم عرضه می‌کند تا دیدگاه قرآن کریم را استخراج و آن را در قالب الگو برای حل منازعات قومی ارائه کند.

در نتیجه، تحقیق و پژوهش در این زمینه، با هدف شناسایی عوامل و زمینه‌های منازعات قومی و راه‌حل این منازعات، به‌ویژه از منظر قرآن کریم از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است. پرسش اصلی تحقیق آن است که: «راه‌حل قرآن کریم برای پایان‌دادن به منازعات قومی کدام است؟». بدیهی است که با توجه به مسلمان‌بودن کشورهای اسلامی درگیر در منازعات قومی، استخراج راه‌حل قرآنی برای حل این منازعات، اهمیت مضاعف دارد و مسلمانان می‌توانند با سرلوحه قراردادن دستورات قرآنی در این زمینه، منازعات قومی را کنار گذاشته و همزیستی مسالمت‌آمیز را تجربه نمایند.

۱. روش تحقیق

تحقیق با کاربست روش تفسیر استنطاقی، موضوع یا مسئله مورد نظر را به قرآن کریم عرضه می‌کند تا دیدگاه و راه‌حل قرآن کریم را درباره آن، به دست آورد. معنای استنطاق، معادل تفسیر موضوعی است که شهید صدر در تأیید آن می‌نویسد: «مراد از استنطاق، تفسیر موضوعی قرآن است به گونه‌ای که با مطالعه اوضاع جوامع هر عصر، مسائل و موضوعات مختلف آن عصر شناسایی و سپس با عرضه آن‌ها به قرآن کریم به شکل سؤال، پاسخ در یافت شود» (صدر، ۱۴۲۸ق، ص ۲۶).

شهید صدر در توضیح روش استنطاقی می‌گوید: «در روش استنطاقی، مفسر اولاً، فعال است و نه منفعل و ثانیاً، کار خود را از متن قرآن آغاز نمی‌کند؛ بلکه از واقعیات زندگی و مسائل و مشکلات جامعه شروع می‌نماید و از قرآن در طلب حل آن و پُر کردن خلأهای آن، چاره‌جویی می‌نماید؛ لذا تنها نقش شنونده را ندارد، بلکه در جایگاه پرسش‌گری است که با تعقل و تدبر با کتاب خدا به گفت‌وگو می‌نشیند؛ به عبارت دیگر، مفسر، موضوع یا مسئله‌ای را که از افکار و مواضع بشری برآمده

و جدید است طرح و آن را به قرآن عرضه می کند تا نظر قرآن را در این باره کشف کند (صدر، بی تا، ص ۲۶).

بنابراین، در دیدگاه شهید صدر استنتاج، معادل تفسیر عصری است که در هر عصری مفسر از متن جامعه، پرسش‌ها و دغدغه‌ها را دریافت کرده و به قرآن عرضه می کند و از او پاسخ می طلبد. ما نیز در این پژوهش، مشکل و چالش مورد نظر را به قرآن عرضه می کنیم تا دیدگاه و راه حل قرآن کریم را در این زمینه به دست آوریم. این تحقیق نیز مناظرات قومی را به عنوان یک چالش در برخی از کشورهای اسلامی و عوامل آن مانند: برتری طلبی نژادی، فرهنگی و انحصار سیاسی - قومی و... را شناسایی کرده و سپس آن را با استفاده از روش تفسیر استنتاجی به قرآن کریم عرضه کرده و راهکارهای قرآن کریم را برای حل این چالش به دست آورده است.

۲. مناظره قومی

در یک تعریف کلی، به هر گونه رویارویی و برخورد آشکار یا پنهان، مستقیم یا غیرمستقیم، خشونت آمیز یا نرم، میان افراد و گروه‌های قومی با همدیگر و یا میان آن‌ها و حوزه قدرت که در اختیار یک قومیت خاصی است بر سر دستیابی، کنترل و اعمال قدرت در خصوص منابع کمیاب (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و...)؛ مناظره قومی اطلاق می شود. بر اساس این تعریف، سه سطحی از مناظره قومی؛ یعنی مناظره نرم، مناظره نیمه سخت و مناظره سخت را می توان مطرح کرد (گودرزی، ۱۳۸۵، ص ۵۴).

۳. قرآن کریم و حل مناظرات نژادی - قومی

وجود اختلاف و تفاوت نژادی میان افراد و گروه‌های انسانی یک امر طبیعی و حتی بر اساس فلسفه نظام آفرینش، امری پسندیده است. تنوعات و تفاوت‌های انسان‌ها را باید از ویژگی‌های آفرینش الهی و از نشانه‌های قدرت خداوند به شمار آورد؛ قرآن نیز در آیه ۱۱ سوره حجرات، تفاوت نژادی را به سبب شناخت افراد از یکدیگر به رسمیت شناخته است؛ اما برتری طلبی یک انسان بر انسان دیگر یا تفوق طلبی یک گروه بر گروه دیگر،

بر اساس ویژگی‌های ذاتی و غیراکتسابی مانند رنگ پوست، نژاد و دیگر تفاوت‌ها که در طول تاریخ بشر، یکی از چالش‌های مهم و سرچشمه بسیاری از ستیزه‌ها، درگیری‌ها و خون‌ریزی‌های داخلی در بیشتر کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای چند قومی بوده است، از دیدگاه قرآن کریم مردود و ناپسند است.

۳-۱. برابری انسان‌ها در خلقت

قرآن کریم در رد ادعای برتری‌جویی نژادی، برابری ذاتی انسان‌ها را مطرح کرده و ادعای برتری ذاتی یک قوم یا یک نژاد بر دیگر نژادها و اقوام را بی‌اساس معرفی کرده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا رُجُوهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً»؛ ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید، همان خدایی که شما را از نفس واحد خلق کرد و از نوع ایشان، زوجش را آفرید و از طریق آن دو، مردان و زنان بسیاری را در تمام جهان گستراند (نساء، ۱).

واژه «ناس» در آیه شریفه، اسم جنس محلی به الف و لام است و طبق دستور زبان عربی، جامعیت و عمومیت را می‌رساند؛ یعنی مخاطب قرآن کریم، نوع انسان با ویژگی انسانی است، فارغ از اینکه به کدام نژاد، قوم، طبقه و قبیله تعلق دارند و دارای چه نوع دین، مذهب و... هستند. پس همه انسان‌ها از دیدگاه قرآن کریم، برابری ذاتی دارند و هیچ قوم و نژادی بر قوم و نژاد دیگری برتری ذاتی ندارد (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۹۵).

جمله «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» در آیه شریفه ذکر شده بر این امر دلالت دارد که انسان‌ها به‌رغم تفاوت‌های جسمانی در بلندی و کوتاهی، سفیدی و سیاهی، چاقی و لاغر، زشتی و زیبایی و به‌رغم تفاوت‌های روحی در ایمان و شرک، شجاعت و ترس، انضباط و بی‌انضباطی و با وجود اختلاف در برخورداری از امتیازات مادی در غنا و فقر و برخورداری از موقعیت‌های اجتماعی و عدم برخورداری از آن‌ها و...، در خلقت و ذات خود برابر و یکی هستند و هیچ فردی از افراد انسانی و یا هیچ نژادی از نژادها بر افراد و نژادهای دیگر، برتری ذاتی ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۳۵).

۲-۳. برابری انسان‌ها در کرامت ذاتی

کرامت ذاتی، بدین معنا که همه انسان‌ها به صورت برابر از آن برخوردارند و مقید به داشتن ایمان و عقیده راستین و عمل صالح نیست، به بهترین و زیباترین روش در سوره اسراء بیان شده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ و به راستی ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم؛ و آن‌ها را در خشکی و دریا [بر مرکب‌های راهوار] حمل کردیم و از انواع غذاهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم» (اسراء، ۷۰).

علامه طباطبایی رحمته‌الله در مورد آیه شریفه فوق می‌گوید: «در این آیه مبارکه، خداوند، بشر را به خاطر سرپیچی از فرمان خداوند، نکوهش و سرزنش کرده و بر آن‌ها به خاطر اعطای این ویژگی (کرامت ذاتی)، منت نهاده است. مخاطب آیه شریفه، همه انسان‌ها؛ اعم از موحدان، مشرکان و کافران و... هست؛ زیرا اگر مخاطب، فقط انسان‌های خوب، مطیع و مؤمن می‌بود، آن‌گاه معنای امتنان و عتاب درست در نمی‌آمد» (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۱۵۵).

۳-۳. برابری انسان‌ها در مقام جانشینی خداوند

از جمله آیاتی که بر برابری انسان‌ها دلالت می‌کنند، آیاتی است که به انسان به ماهوانسان، مقام خلیفه الهی را عطا کرده و انسان را جانشین خدا در روی زمین معرفی کرده‌اند؛ چنان که در سوره مبارکه یونس آمده است: «ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ»؛ آنگاه که شما را پس از [هلاکت] آنان، جانشین خود در زمین قرار دادم تا معلوم شود که شما چگونه عمل می‌کنید (یونس، ۱۴).

قرآن کریم در آیه شریفه دیگری می‌فرماید: «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»؛ و [به یاد بیاور] زمانی را که خداوند به فرشتگان فرمود: من در زمین جانشینی برای خود، خلق خواهم کرد، آن‌ها گفتند: آیا در زمین

کسانی را خلق می‌کنی که در آن، فساد کنند و خون‌ریزی راه بیندازند، درحالی که ما خود، تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم؟ خداوند فرمود: چیزی را که من [از اسرار خلقت بشر] می‌دانم، شما نمی‌دانید (بقره، ۳۰).

۳-۴. نفی نژادگرایی

قرآن کریم، تفاوت‌های نژادی و قومی را به رسمیت شناخته؛ اما آن را عامل برتری انسان‌ها نمی‌داند؛ بلکه این تفاوت‌ها را به‌خاطر شناخت یکدیگر می‌داند و برتری انسان‌ها را درباره یکدیگر به عامل معنوی مانند تقوا و عمل صالح معرفی کرده است: «ای مردم! ما تمام شما را از یک مرد و زن خلق کردیم و سپس قبیله‌قبیله گردانیدیم تا یکدیگر را بهتر بشناسید، همانا بهترین و باافتخارترین شما در پیشگاه خداوند، باتقواترین شما هستند، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است» (حجرات، ۱۳).

از دیدگاه قرآن کریم، یهودیان دارای تفکر برتری‌طلبی نژادی و خونی هستند؛ آن‌ها با تحریف و دست‌کاری در تورات، خود را نژاد برتر و قوم برگزیده خداوند معرفی کرده و ادعا نمودند که دیگر نژادها برای خدمت به قوم و نژاد یهود و به‌خاطر اینکه آن‌ها در زمین تنها نمانند، خلق شده‌اند و به دلیل همین تفکر باطل نژادپرستانه است که یهودیان فریب، نیرنگ و پیمان‌شکنی با غیر یهودیان و غصب اموال و حتی کشتار آنان را مجاز می‌دانستند (آجیلی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۷).

خداوند در رد این ادعای یهودیان به پیامبرش دستور می‌دهد که: «قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ؛ بگو [ای پیغمبر] اگر ادعای تان درست است، پس چرا خداوند شما را به سبب گناهانتان عذاب می‌کند؟ بلکه شما هم بشری هستید مانند دیگر افراد بشر که خداوند خلق کرده است، خداوند هر کسی را بخواهد می‌بخشد و هر کسی

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات، ۱۳).

را بخواهد عذاب می کند و خداوند بر آسمانها و زمین و آنچه بین آنها است، فرمان‌روایی می کند و بازگشت همه به سوی اوست» (مائده، ۱۸).

قرآن کریم براساس آیه ۱۳ سوره حجرات که پیش‌تر بیان گردید، اصل تفاوت‌های نژادی و قومی را پذیرفته و آن را ابزار شناخت افراد از یکدیگر معرفی کرده است، نه اینکه آن را وسیله‌ای برای تفاخر و برتری نژادی و قومی قرار داده باشد. قرآن کریم برای اثبات این امر که نژاد، نسب و رنگ پوست، فقط برای شناخت افراد از یکدیگر است و معیار برتری انسان‌ها و گروه‌های انسانی نیست در جای دیگر می‌فرماید: «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ؛ در روز قیامت، آنگاه که بر صور دمیده شود، آن روز بین انسان‌ها نسبی نخواهد بود» (مؤمنون، ۱۰۱). بر اساس این آیه، با اینکه نسب، نژاد و... یک حقیقت است؛ اما در روز قیامت هر کسی با توجه به اعمال و رفتاری که انجام داده است، مورد داوری و قضاوت قرار می‌گیرد و اینکه از کدام نژاد است و یا با چه کسانی نسبت و خویشاوندی دارد، مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

۳-۵. پرهیز از تمسخر قومیتی

تحقیر و تمسخر دیگران، پیامدهای ناگوار روانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد تا جایی که ممکن است انسجام جامعه و همبستگی اجتماعی را مختل و کینه و نفرت را در جامعه گسترش دهد. تحقیر و تمسخر اگر جنبه قومیتی، نژادی، مذهبی و فرهنگی به خود بگیرد؛ جنبه منفی و توان تخریب‌گری آن، چندین برابر خواهد. تحقیر سیاه‌پوستان به وسیله سفیدپوست‌ها، تحقیر عرب توسط عجم و بالعکس و تحقیر هر قوم و نژاد به وسیله قوم و نژاد دیگر، چون برخاسته از احساس خود برترینی و نگاه کم‌بینانه به دیگران است، جامعه را به لحاظ اجتماعی به بحران‌های گوناگون دچار می‌سازد (عضدانلو، ۱۳۸۶، ص ۶۸۱).

قرآن کریم، به دلیل آثار زیان‌بار و بحران‌های اجتماعی که تحقیر و تمسخر دیگران در جامعه از خود برجای می‌گذارد، در آیات متعددی از استهزا و تمسخر و قضاوت کردن به‌ظاهر دیگران، نهی کرده است. از جمله در سوره مبارکه حجرات

می فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمًا مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِنْ نِسَاءِ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید قومی، قوم دیگر را مسخره کند، شاید در نزد خداوند، آن‌ها از این‌ها بهتر باشند و نباید زنانی، زنان دیگر را ریشخند کنند، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید و همدیگر را با لقب‌های زشت صدا نزنید؛ زیرا بسیار ناپسند است که بر کسی پس از ایمان، لقب کفرآمیز بگذارید و آن‌هایی که از این عمل ناپسند، توبه نکنند، ظالم و ستم‌گرند» (حجرات، ۱۱).

۳-۶. برقراری پیوند ازدواج میان اقوام

قرآن کریم، برای اینکه تفکر جاهلانۀ برتری نژادی را بی‌اعتبار سازد، ازدواج با کنیزان را که به‌طور معمول غیر عرب بودند، توصیه کرده و می‌فرماید: «وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ؛ و هر کدام‌تان که به دلیل فقر توانایی ازدواج با زنان آزاد باایمان را ندارند با کنیزان باایمانی که در ملکیت شما هستند، ازدواج کنید و خدا به ایمان شما داناتر است. همه شما از یکدیگر هستید» (نساء، ۲۵).

قرطبی در تفسیر این آیه می‌گوید: «مقصود از جمله «بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ»، این است که برای عرب‌ها، زمینه‌سازی روحی کند تا کنیززادگان را بپذیرند و متوجه شوند که با آن‌ها فرقی نداشته و بر آن‌ها برتری ندارند. با آمدن اسلام و جایز شدن ازدواج با کنیزها و کنیززادگان که «هجین» نامیده می‌شدند، عرب‌ها دریافتند که کنیززادگان زشت و پست نیستند و تفکر عرب‌ها در این زمینه نادرست و غیرمنطقی بوده است» (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۲۳).

ابن جوزی در تفسیر آیه فوق می‌نویسد: «جمله «بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ» را می‌توان به دو صورت معنا کرد: اول اینکه؛ این جمله بیانگر نَسَب است و می‌خواهد این نکته را

یادآوری کند که همهٔ تان فرزند آدم هستید و بر یکدیگر برتری ندارید و دوم آنکه؛ این جمله بیانگر دین است و می‌خواهد این را بگوید که همهٔ تان دارای یک دین هستید و مسلمان از هر قوم و نژادی که باشند، هم کفو محسوب می‌شوند» (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۹۴).

۷. قرآن کریم و حل منازعات فرهنگی - قومی

تفاوت‌های فرهنگی، زبانی، دینی و مذهبی نیز در جوامعی چندفرهنگی، گاهی باعث منازعات فرهنگی - قومی می‌شود؛ زیرا برخی از اقوام، فرهنگ خود را برتر از دیگر فرهنگ‌ها تلقی و به تحقیر و یا حذف فرهنگ‌های دیگر اقدام می‌کنند و همین امر، موجب ستیز و درگیری‌های فرهنگی - قومی می‌شود. قرآن کریم برای مهار این گونه منازعات نیز راه‌حل‌های کاربردی ارائه کرده است.

۷-۱. آزادی انسان‌ها در انتخاب عقیده

قرآن کریم، انسان‌ها را در انتخاب دین و عقیده آزاد می‌داند و اجبار انسان‌ها را به پذیرش دین و عقیده تأیید نمی‌کند. در قرآن کریم آمده است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛ در پذیرش دین، هیچ اجباری وجود ندارد؛ زیرا خداوند راه را از بیراهه برای مردم، به روشنی نشان داده است» (بقره، ۲۵۶).

قرآن کریم، وظیفهٔ پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را فقط تبلیغ و بیان حقایق برای مردم می‌داند و می‌فرماید: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ؛ و بگو: دین حق همان است که از جانب خداوند آمده است، پس هر کسی که خواست به آن، ایمان بیاورد و هر کسی که می‌خواهد به آن، کافر شود» (کهف، ۲۹). در جای دیگر می‌گوید: «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ؛ پیامبر، وظیفه‌ای جز رساندن پیام الهی ندارد» (مائده، ۹۹) و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «فَدَكَّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُدَكِّرٌ؛ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ؛ [ای پیامبر] پس تذکر بده که تو فقط تذکر دهنده هستی، نه سلطه‌گر که آنان را مجبور به پذیرش نمایی» (غاشیه، ۲۱-۲۲). این آیات شریفه، به این حقیقت اشاره دارند که

ایمان و شرک بر اساس انتخاب است، نه بر اساس اجبار و تحمیل؛ زیرا مقتضای حکمت خداوند این است که انسان‌ها در انتخاب عقایدشان آزاد باشند (قرائتی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۲۶۷).

قرآن کریم، تفاوت‌های فرهنگی و عقیدتی را مقتضای خلقت معرفی کرده و با صراحت تمام خطاب به پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، چنین می‌فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ؛ و اگر خدای تو می‌خواست قطعاً هر آن کسی که در روی زمین است، همه‌شان ایمان می‌آوردند، پس آیا تو مردم را مجبور به پذیرش دین می‌کنی» (یونس، ۹۹).

این امر با خرد و عقلانیت نیز سازگاری دارد؛ زیرا عقیده، ایمان و دین یک امر معنوی و قلبی است و باید انسان‌ها آن را با اختیار خود بپذیرند، دین و باوری که با زور و اجبار بر انسان‌ها تحمیل شود، ممکن است تا زمانی که زور و اجبار باشد، به ظاهر خود را ملتزم به آن نشان دهند؛ اما، هرگز مورد پذیرش قلبی آنان قرار نمی‌گیرد و هر زمانی که زور و اجبار برداشته شود، نه تنها ملتزم به آن نخواهند بود؛ بلکه چه بسا بر ضد آن رفتار نمایند.

۲-۷. احترام به تنوعات فرهنگی

احترام به تفاوت‌ها از لازمه پذیرش تفاوت‌ها و مبتنی بر اصل پذیرش تنوعاتی است که پروردگار عالم بر پایه فلسفه خلقت در نظام آفرینش، ایجاد کرده است، تنوعاتی که بخش گسترده‌ای از زندگی اجتماعی انسان‌ها از جمله تفاوت آن‌ها در دین، اعتقاد، زبان و آداب و رسوم را دربر می‌گیرد. البته، پذیرش تفاوت‌ها به تنهایی به هیچ وجه در پایداری زندگی اجتماعی کفایت نمی‌کند؛ بلکه احترام به تنوع‌ها نیز باید وجود داشته باشد.

بنابراین، وجود اختلاف و تفاوت‌ها میان افراد و گروه‌های انسانی یک امر طبیعی و حتی بر اساس فلسفه نظام آفرینش، امری پسندیده است. تنوعات و تفاوت‌های انسان‌ها را باید از ویژگی‌های آفرینش الهی و از نشانه‌های قدرت خداوند به شمار آورد. اینکه پروردگار عالمیان در سوره مبارکه هود بر وجود تنوع و تفاوت انسان‌ها تصریح می‌کند، اعتبار دینی و عقلی مدعای فوق را افزایش می‌دهد، آنجا که می‌فرماید: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ

لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ؛ و اگر پروردگار تو می خواست، هر آینه تمام مردم را امت واحده [و دارای عقیده واحد] قرار می داد، درحالی که پیوسته باهم اختلاف می کنند» (هود، ۱۱۸).

به همین دلیل خداوند متعال از دو طریق؛ یکی رسول درونی و باطنی که از آن به فطرت انسانی تعبیر می شود و دیگری رسول بیرونی که پیامبران الهی هستند، مسیر تقوا و فجور و ضلالت و هدایت را به تمام انسان‌ها نشان داده است و این خود آن‌ها هستند که با اراده و اختیار کامل خویش، مسیر سعادت و یا شقاوت را برمی‌گزینند.

۳-۷. تساهل و مدارا

تساهل و تسامح، یکی دیگر از اصول راهبردی، برای مدیریت سالم یک جامعه، به‌ویژه جامعه چندفرهنگی است؛ زیرا در جوامع چندفرهنگی، برخلاف جامعه تک‌فرهنگی، بسیاری از وقت‌ها، تحت تأثیر عوامل درونی یا بیرونی، منازعه و ستیزه‌های خشونت‌آمیز، میان گروه‌های قومی و فرهنگی به وجود می‌آید؛ بنابراین تساهل و مدارا می‌تواند از چنین نزاع‌هایی پیشگیری و یا به آن، پایان دهد.

جان لاک، از بنیان‌گذاران اندیشه لیبرالیسم، معتقد است که تساهل و تسامح خاستگاه دینی دارد. ایشان می‌گوید: «تساهل و مدارای افراد با کسانی که از نظر دینی و عقیدتی با آن‌ها تفاوت دارند؛ به گونه‌ای در انجیل حضرت عیسی و دین مسیحیت و عقل سلیم بشری، مورد تأیید قرار دارد که هیچ چیزی برای انسان‌ها، شگفت‌آورتر از این نیست که فایده آن را برای قوام زندگی اجتماعی درک و به ضرورت آن اذعان نکنند (جان لاک، ۱۳۸۳، ص ۵۵).

بسیاری از اندیشمندان مسلمان و مفسران قرآن کریم، معتقدند که تسامح و مدارا از آیات قرآن کریم قابل استخراج و استنباط است، از منظر این‌ها، در آیه ۲۵۶ سوره بقره که از اکراه و اجبار در پذیرش دین نهی شده است و همچنین در آیه ۶ سوره کافرون که گفته است؛ دین هر کسی برای خودش باشد، بر تساهل و تسامح دلالت دارند و آیه ۱۳ سوره حجرات که آفرینش انسان‌ها را به صورت گوناگون و قبیله‌قبیله، مطرح کرده

است و همچنین آیه ۱۸۵ سوره مبارکه بقره که فرموده است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ؛ خداوند خواهان راحتی و آسانی برای شماست و شما را به سختی و دشواری قرار نمی‌دهد»، اصل تساهل و مدارا را با پیروان دیگر ادیان، تأیید کرده است.

۷-۴. همزیستی مسالمت‌آمیز

از دیدگاه قرآن کریم، همزیستی مسالمت‌آمیز و توأم با صلح و صمیمیت، امری پسندیده و حتی ضروری است؛ زیرا با اینکه تنوع و تفاوت انسان‌ها با یکدیگر در قرآن کریم، مورد تأیید قرار گرفته است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است» (حجرات، ۱۳)، وحدت بنیادی و همزیستی صلح‌آمیز آن‌ها نیز مورد توجه قرار داده شده است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون؛ این است امت شما که امتی یگانه است و منم پروردگار شما، پس مرا پرستید» (انبیاء، ۹۲).

قرآن کریم در آیه‌ای دیگر، مؤمنین و مسلمانان را نیز به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز تشویق کرده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همه‌تان با صلح و صمیمیت زندگی کنید و دنباله‌رو شیطان نباشید که دشمنی او با شما آشکار است» (بقره، ۲۰۸). قرآن کریم در این آیه شریفه، ضمن تشویق مؤمنین به صلح، تفرقه را کار شیطان معرفی کرده و به مسلمانان هشدار داده است که از شیطان پیروی نکنند.

قرآن کریم، تنها به همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان با همدیگر اکتفا نکرده است؛ بلکه آنان را به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز با مخالفان نیز توصیه و تشویق کرده است، در آیه مبارکه سوره انفال خطاب به پیامبر اسلام ﷺ، چنین آمده است: «وَإِنْ جَاءَحُوا لِلْسَّلَامِ فَأَجْزَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ [ای پیامبر] اگر دشمنان و مخالفان به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز، رغبت نشان دادند، شما نیز به صلح متمایل

باش و امور خویش را به پروردگار واگذار کن که او شنوا و داناست» (انفال، ۶۱).

اسلام، تنها به وحدت اسلامی نمی‌اندیشد؛ بلکه به‌عنوان یک دین جهانی، خواستار صلح و زندگی مسالمت‌آمیز با تمام مردم جهان است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص ۱۰۳)؛ زیرا اصل در اسلام، زندگی توأم با آشتی و صلح با تمام مردم جهان؛ اعم از مسلمان و غیرمسلمان است؛ مگر اینکه از جانب دیگران، تعدی و تجاوز علیه مسلمانان صورت بگیرد که در این صورت، دفاع از جان، مال و سرزمین مسلمانان، یک امر شرعی و عقلائی خواهد بود (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵۴۵).

به‌طور کلی، در آموزه‌های دینی اسلام، به خاطر پایداری و استحکام نظام اجتماعی و پیش‌گیری از منازعه و ستیزه‌های قومی، نژادی، زبانی و مذهبی، به همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح توصیه‌های اُکید صورت گرفته است. اسلام از همان آغاز بر زندگی توأم با صلح اهمیت فراوان می‌داد و پیامبر اسلام، نیز با انعقاد «پیمان‌نامه عمومی مدینه» [که در واقع قانون اساسی برای اداره جامعه آن روز به شمار می‌رفت] و درج و به رسمیت شناختن حقوق همه شهروندان؛ اعم از مسلمان و غیرمسلمان در پیمان‌نامه، همزیستی مسالمت‌آمیز را در عمل به نمایش گذاشت (جعفری، ۱۳۹۱، ص ۱۴۵).

۷-۵. محبت و نیکی

محبت به انسان بماهو انسان و دوست داشتن آنها، فارغ از هرگونه اوصاف عارضی و تشخص و تمایزشان، جایگاه ویژه‌ای در آموزه‌های اسلامی دارد و ریشه این امر، به مبانی انسان‌شناسی اسلام برمی‌گردد. بر پایه مبانی انسان‌شناسی اسلام، همه انسان‌ها در فطرت و خلقت باهم برابرند (نساء، ۱) و از کرامت انسانی یکسانی نیز برخوردار هستند (اسراء، ۷۰). محبت و شفقت به هم‌نوع، به همبستگی اجتماعی منجر شده و دشمنی و ستیزه‌جویی را از جامعه ریشه کن می‌سازد.

خداوند در قرآن کریم، نرم‌خویی و رفتار محبت‌آمیز پیامبر اسلام ﷺ را ستوده و آن را عامل موفقیت ایشان در جلب و جذب مردم معرفی کرده است: «فَمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛ این لطف و مرحمت پروردگار

بود که با مردم با محبت رفتار کردی و اگر با مردم درشت‌خویی می‌کردی و سخت‌دل می‌بودی، قطعاً آن‌ها از اطراف تو دور می‌شدند» (آل‌عمران، ۱۵۹).

قرآن کریم، برای جلوگیری از خونریزی و ستیزه‌جویی، همیشه انسان‌ها را به جنبه‌های مشترک و وحدت‌بخش، متوجه می‌سازد تا انسان‌ها با تمرکز بر جنبه‌های مشترک و مورد وفاق، از دشمنی و اختلاف با یکدیگر پرهیزند؛ لذا خطاب به پیامبر اسلام ﷺ چنین می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» [ای پیامبر! بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما مشترک است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را [غیر از خدای یگانه] به خدایی نپذیرد، هرگاه سر باز زنند، بگوئید: گواه باشید که ما مسلمانیم] (آل‌عمران، ۶۴).

قرآن کریم، مسلمانان را حتی از نیکی کردن و محبت با آن دسته کافرانی که به جامعه اسلامی ضرر نمی‌رسانند، نیز باز نداشته و می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»؛ خدا شما را از نیکی کردن و عدالت‌ورزیدن به آنان که با شما در دین نجنگیده‌اند و شما را از سرزمین‌تان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد. خدا کسانی را که به عدالت رفتار می‌کنند دوست دارد» (ممتحنه، ۸).

در نتیجه، قرآن کریم وجود تنوع و تکثر در جوامع بشر را امری طبیعی معرفی کرده است: «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»؛ و شما را ملت‌ملت و قبیله‌قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید» (حجرات، ۱۱)؛ بنابراین، منظور از وحدت جامعه اسلامی این نیست که کثرت زبانی، قومی و تنوع نژادی نداشته باشند؛ زیرا این نوع وحدت بر خلاف سنت الهی و طبیعت بشری است و هرگز محقق نشده و نخواهد شد؛ بلکه منظور اتحاد و هم‌دلی مسلمانان با وجود اندیشه‌ها و عقاید گوناگون است؛ یعنی تمامی فرقه‌ها و مذاهب اسلامی از هر قوم و نژادی که باشند با حفظ ممیزات خود به وفاق و هم‌پذیری دست یابند.

۸. قرآن کریم و حل منازعات سیاسی - قومی

از آنجایی که حکومت و مناصب حکومتی، جزو منابع ارزشمند به‌شمار می‌رود، گروه‌های سیاسی و قومی برای دستیابی به این منبع با ارزش باهم رقابت و گاهی منازعه می‌کنند و در کشورهایی که از گروه‌های گوناگون قومی، نژادی، زبانی و مذهبی، ترکیب و تشکیل یافته‌اند، تحت تأثیر عوامل درونی و یا دخالت‌های بیرونی، منازعه‌های بیشتری به وجود می‌آید که گاهی به جنگ‌های خونین داخلی و ویرانی کشور منجر می‌شود. قرآن کریم برای پیشگیری و حل منازعات سیاسی - قومی، راهبردهای بسیار مؤثر و کارآمدی ارائه داده است که جوامع با عمل به آنها، می‌توانند همزیستی مسالمت‌آمیز و توأم با صلح را تجربه کنند.

۸-۱. ارتقای معنویت

در تفکر اسلامی، حکومت تنها عهده‌دار امور دنیایی مردم و شهروندان نیست؛ بلکه در قبال سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها مسئول‌اند. رشد و ارتقای معنویت بر مبنای توحید و یکتاپرستی، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین باورهای حکومت اسلامی است. بر اساس اندیشه توحیدی، نابرابری‌های طبقاتی و نژادی رنگ می‌بازد و همگان در صف واحد، فرمان‌بردار قانون الهی می‌شوند و با صمیمیت و همگرایی، دوشادوش همدیگر برای پیشرفت و ترقی جامعه تلاش و کوشش می‌کنند.

توحیدگرایی، کلیه انسان‌ها را به‌دور از هرگونه تعلقات مادی و اعتباری؛ مانند غنا و فقر یا نژاد، قوم، زبان و... بر محوریت «توحید» کنار هم قرار می‌دهد؛ زیرا توحیدگرایی در فطرت انسان‌ها، ریشه دارد و انسان‌ها به‌طور فطری خداجوی هستند. قرآن کریم، مهم‌ترین هدف بعثت پیامبران الهی را به‌عنوان رهبران جامعه، رشد معنوی و تربیت اخلاقی افراد جامعه معرفی کرده و می‌فرماید: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ پروردگارا! در میان آنان پیامبری از خودشان برانگیز که آیات تو را بر آنان بخواند و آنان را کتاب و حکمت بیاموزد و از آلودگی‌های ظاهری و

باطنی پاک‌شان کند؛ زیرا تو توانای شکست‌ناپذیر و حکیمی» (بقره، ۱۲۹).

بنابراین، حاکم و حکومت اسلامی وظیفه دارد که معنویت را در جامعه بر محوریت توحید، گسترش و تعالی ببخشد و همه بشر را بر اساس توحیدمحوری که در فطرت همه انسان‌ها به عاریت گذاشته شده است، متحد و یکپارچه نگهدارد و این‌گونه می‌تواند از شکل‌گیری هر گونه منازعه و درگیری در جامعه، پیشگیری نماید.

۸-۲. عدالت اجتماعی

بحث عدالت اجتماعی، یکی از مباحث اساسی و تاریخی در میان اندیشمندان و متفکران جهان بوده و هست، قوام و دوام هر جامعه‌ای در گرو تحقق عدالت اجتماعی است؛ لذا قرآن کریم تحقق عدالت را یکی از اهداف مهم بعثت پیامبران الهی برشمرده و می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند» (حدید، ۲۵).

قرآن کریم در سوره مبارکه مائده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای خدا به عدالت رفتار کنید [و] به عدالت شهادت دهید و متوجه باشید که دشمنی با گروهی باعث نشود که عدالت را زیر پا بگذارید، عدالت را رعایت کنید که این کار به تقوا نزدیک‌تر است و از پروردگار عالم پروا کنید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید باخبر است» (مائده، ۸).

در آیه شریفه فوق، قرآن کریم به انسان‌ها هشدار می‌دهد که مبادا دشمنی با کسی یا گروهی شما را از اجرا و رعایت عدالت بازدارد؛ یعنی حاکمان و زمامداران باید عدالت را حتی در مورد دشمنان و مخالفان‌شان مدنظر قرار دهند و عدالت باید شامل حال همه شهروندان بشود.

دولت‌ها و حکومت‌هایی که به عدالت رفتار نکنند پایه حاکمیت‌شان بسیار سست و اقتدارشان موقتی خواهد بود؛ زیرا با ستمگری و بی‌عدالتی، نابودی خود را امضا

کرده‌اند. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «مَنْ جَارَتْ وَلَايَتُهُ زَالَتْ دَوْلَتُهُ؛ وَ مَنْ عَمِلَ بِالْعَدْلِ حَصَّنَ اللَّهُ مُلْكَهُ؛ كَسَى كَهْ فِي دَائِرَةِ حُكْمَتِهِ ظِلْمٌ وَ سَتَمٌ كُنْدَ، حُكْمَتِهِ مِنْ بَيْنِ خَوَاهِدِ رَفْتِ وَ كَسَى كَهْ بِه عَدَالَتِ عَمَلِ كُنْدَ خَدَاوَنْدِ قَلَمَرُو حُكْمَتِهِ رَا حَفِظْ خَوَاهِدِ نَمُودِ» (سیوطی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۰۹).

عدالت اجتماعی زمانی محقق می‌شود که تمام اقوام و قبایل، ملیت‌ها و گروه‌های سیاسی ساکن در یک کشور از حقوق شهروندی عادلانه و مساوی برخوردار باشند و از امکانات کشور که متعلق به تمام ملت است، همگان استفاده نمایند. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به روی فرزندان تمام اقوام و ملیت‌ها باز باشد. نقش افراد، صرف‌نظر از این که به چه قومی یا چه مذهبی تعلق دارند، بر اساس شایستگی، لیاقت و تخصص آن‌ها تعریف شود. تنها در این صورت است که ثبات در جامعه حکم‌فرما خواهد شد و همه افراد در جهت ترقی و اعتلای کشور، تلاش خواهند کرد.

۸-۳. شایسته‌سالاری

بر اساس اصل شایسته‌سالاری، کسانی که دارای تخصص و شایستگی باشند، فارغ از اینکه به کدام قوم، قبیله، نژاد، زبان، گروه سیاسی، طبقه اجتماعی و... تعلق دارند، باید از آن‌ها در مدیریت جامعه در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و هنری استفاده شود و هیچ شهروندی نباید به دلیل تعلقات نژادی، قومی، زبانی و... از منصوب شدن به پست و منصبی متناسب با مهارت، تخصص و توانایی‌اش محروم شود. قرآن کریم نیز اصل شایستگی و اهلیت را مدنظر قرار داده و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ؛ خَدَاوَنْدِ بِه شَمَا فَرْمَانِ مِی دَهْدِ كَهْ اَمَانَت‌ها رَا بِه اهل‌شان باز گردانید و هنگامی که در میان مردم داوری می‌کنید عدالت را رعایت نمایید» (نساء، ۵۸). اینکه خداوند می‌فرماید که امانات را به اهلش بسپارید، یعنی امانت‌ها را به کسی که اهلیت و شایستگی دارد واگذار نمایید. حکومت و اداره جامعه از مهم‌ترین امانات است و باید به افرادی سپرده شود که از لیاقت و شایستگی کافی در این زمینه برخوردار باشد.

قرآن کریم در داستان ذوالقرنین نیز بحث شایسته‌سالاری را مطرح کرده است: «قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا؛ آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قَطْرًا؛ فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا؛ آنچه پروردگارم مرا در آن تمکن و قدرت داده بهتر است؛ پس شما مرا با قدرت یاری دهید تا میان شما و آنان سدی سخت و استوار قرار دهم. برای من قطعه‌های آهن بیاورید [و میان این دو کوه بریزید] تا زمانی که آن دو کوه را هم‌سطح کرد، آنگاه گفت: [در کوره‌ها] بدمید تا وقتی که آن [قطعه‌های آهن] را چون آتش سرخ کرد؛ گفت: برایم مس گداخته شده بیاورید تا روی آن بریزم؛ هنگامی که سد ساخته شد، یا جوج و مأجوج نتوانستند بر آن بالا روند و در آن رخنه‌ای وارد کنند» (کهف، ۹۶-۹۸).

این آیات، مهارت، تخصص و شایستگی ذوالقرنین را در سدسازی بیان می‌کند. با در نظر گرفتن این آیات به این نتیجه می‌رسیم که توجه به شایسته‌سالاری و لیاقت می‌تواند به موفقیت در کارها و پیشبرد امور مردم و جامعه، نقش بسیار مهم و اساسی ایفا نماید.

۸-۴. مشورت (مشارکت سیاسی)

در سایه مشارکت سیاسی، رضایت احزاب سیاسی و گروه‌های قومی و مذهبی تا حد مطلوبی تأمین می‌شود. کارویژه مهم و اساسی مشارکت سیاسی این است که نزاع‌ها و درگیری‌های قومی و مذهبی برای تصاحب مناصب سیاسی و اجتماعی کاهش می‌یابد و خشونت‌های سیاسی و منازعات قومی به حداقل می‌رسد؛ زیرا با وجود مشارکت سیاسی، هیچ‌یک از گروه‌های سیاسی، قومی و مذهبی ساکن در یک کشور، احساس محرومیت و حقارت سیاسی نمی‌کنند؛ بلکه همه، خود را در حاکمیت سیاسی کشور، شریک می‌دانند و برای حمایت و تقویت آن تلاش می‌کنند.

قرآن کریم بحث مشورت را مطرح نموده است که می‌توان از آن مشارکت سیاسی را استنباط کرد. به‌طور کلی، «مشاوره» در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. قرآن کریم در

مورد اهمیت آن، چنین می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ و آنان که امر خدای‌شان را اجابت کردند و نماز به پا داشتند و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام می‌دهند و از آنچه روزی آن‌ها کردیم [به فقیران] انفاق می‌کنند» (شوری، ۳۸).

قرآن کریم در آیه‌ای دیگر خطاب به پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید در کارهای مربوط به جامعه اسلامی با مردم مشورت کن، حتی کسانی که اشتباهاتی در گذشته داشته‌اند آن‌ها را مورد عفو قرار بده، برای‌شان درخواست بخشش کن و در کارهای خویش با آن‌ها مشور نما: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ؛ این لطف و مرحمت پروردگار بود که با مردم با محبت رفتار کردی و اگر با مردم درشت‌خویی می‌کردی و سخت‌دل می‌بودی، قطعاً مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند؛ پس آن‌ها را ببخش و برای‌شان آرمزش بطلب و در کارها، با آنان مشورت کن» (آل‌عمران، ۱۲۹).

بر اساس آیه ولایت: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ؛ ولی و حاکم شما فقط خداوند و رسولش و مؤمنانی است که در حال رکوع زکات می‌پردازند» (مائده، ۵۵). رهبر جامعه و رئیس نظام سیاسی باید افراد معصوم باشند. در این آیه منظور از مؤمنان، امامان معصوم هستند، وقتی افراد معصوم یا جانشینان آن‌ها در زمان غیبت، رهبری جامعه و نظام سیاسی را در دست داشته باشند، طبیعی است که در چنین نظامی نه ظلم و ستم وجود دارد و نه تبعیض و تعصب؛ لذا زمینه هرگونه منازعه‌ای از میان خواهد رفت.

نتیجه‌گیری

در جهان معاصر، کمتر کشوری را می‌توان پیدا کرد که از همه جهات زندگی اجتماعی، یک‌دست باشد و دارای تنوع و تفاوت‌های نژادی، قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی نباشد. در چند دهه اخیر، پیشرفت وسایل ارتباط جمعی و افزایش مهاجرت انسان‌ها از یک کشور به کشورهای دیگر، تنوعات و تفاوت‌های نژادی، قومی، مذهبی

و زبانی‌ای بیشتری را در کشورهای جهان، موجب گردیده است. این تنوعات و تفاوت‌ها به‌خودی‌خود هیچ مشکلی ندارند؛ بلکه اگر درست مدیریت شوند، می‌توانند ظرفیتی برای توسعه، پیشرفت و پویایی جامعه باشند؛ اما در طول تاریخ بشر، بر اثر عوامل درونی یا بیرونی، جنگ‌ها و منازعه‌های قومی، نژادی، مذهبی زیادی رخ داده است و انسان‌های بسیاری قربانی این منازعه‌ها شده‌اند؛ لذا اندیشمندان علوم مختلف، تلاش کرده‌اند تا راه‌حلی برای پایان‌دادن به این‌گونه منازعات پیدا کنند؛ اما توفیق چندانی در این زمینه پیدا نکرده‌اند.

قرآن کریم برای حل منازعات نژادی، در حوزه عمل نیز راهکارهایی بسیار مفید و چاره‌سازی را ارائه کرده و با دعوت انسان‌ها به اتحاد و همبستگی اجتماعی، مهرورزی، رعایت عدالت اجتماعی در همه عرصه‌ها، دوری از هرگونه تعصب و تبعیض، پرهیز از تحقیر و تمسخر نژادی، آن‌ها را به همزیستی مسالمت‌آمیز و توأم با صلح و صمیمیت دستور داده است. اگر انسان‌ها و جوامع بشری و به‌ویژه مسلمانان و کشورهای اسلامی، به این راهکارهایی قرآنی عمل و آن را سرلوحه گفتار و رفتارشان در زندگی اجتماعی قرار دهند، بدون تردید همه ستیزه‌های نژادی از جامعه ریشه‌کن شده و جای خود را به صلح، صفا و صمیمیت خواهد داد.

قرآن کریم، تفاوت‌ها و تنوعات فرهنگی انسان‌ها را مقتضای خلقت و از نشانه‌های قدرت الهی معرفی کرده و این تفاوت‌ها و تنوعات را در زندگی اجتماعی یک امر طبیعی و گریزناپذیر می‌داند و آن را لازمه تفاوت‌های جسمی و بدنی انسان‌ها با یکدیگر است و اگر این تنوعات و تفاوت‌های فرهنگی و اندیشه‌ای نبود، زندگی اجتماعی انسان‌ها در عمل ناممکن می‌شد؛ لذا قرآن کریم انسان‌ها را به احترام به تنوعات فرهنگی، انسجام اجتماعی، رفق و مدارا، تكثرگرایی اجتماعی - فرهنگی، همزیستی مسالمت‌آمیز، محبت و نیکی، عفو و گذشت، تعاون و همیاری اجتماعی و... توصیه و سفارش کرده است که اگر این توصیه‌های مفید مبنای عمل قرار گیرند، منازعات و ستیزه‌های فرهنگی - قومی از جوامع بشری و جامعه اسلامی، ریشه‌کن و محو خواهند شد.

رعایت و برقراری عدالت در جامعه، رشد و ارتقای معنویت و متحد نمودن مردم بر محوریت توحیدگرایی که در فطرت همه افراد بشر به عاریت گذاشته شده است، پرهیز از ظلم و تبعیض، رعایت شایسته سالاری در انتخاب و انتصاب منصب داران حکومتی و دوری از خویش خوری و تعلقات قومی، نژادی و مذهبی در انتصابها، برقراری امنیت اجتماعی، مشارکت سیاسی و ... به عنوان راهکارهای عملی قرآن کریم، برای پیشگیری و حل منازعه‌های سیاسی - قومی، بیان گردیده است که رعایت آنها به طور قطع در حل چالش‌ها و منازعه‌های سیاسی - قومی موجود، کارساز خواهد بود.



فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. آجیلی، هادی. (۱۳۹۰). یهود و صهیونیسم از منظر قرآن کریم. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ ق). زادالمسیر فی علم التفسیر (ج ۱). بیروت: دارالکتب العربی.
۳. لاک، جان. (۱۳۸۳). نامه‌ای در باب تساهل (مترجم: شیرزاد گلشاهی کریم). تهران: نشر نی.
۴. جعفری، محمدنسیم. (۱۳۹۱). موانع توسعه اجتماعی در افغانستان با رویکرد اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: مؤسسه آموزش عالی انسانی.
۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). تسنیم تفسیر قرآن کریم. قم: مرکز نشر اسرا.
۶. دعاگویان، داوود؛ عبدالرحمانی، رضا. (۱۳۹۶). نقش رسانه‌ها در گسترش درگیری‌های قومی مناطق مرزی استان آذربایجان غربی. پژوهشنامه مطالعات مرزی، شماره ۱۷، ص ۶۳.
۷. رشیدرضا، محمد. (بی تا) تفسیر المنار. بیروت: دارالمعرفه.
۸. سید قطب، ابراهیم حسین الشاذلی. (۱۴۱۲ ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق.
۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۲۹ ق) الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر. بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۱۰. صدر، سیدمحمدباقر. (بی تا). مقدمات فی تفسیرالموضوعی للقرآن. بیروت: دارالتوحید الاسلامی.
۱۱. صدر، سیدمحمدباقر. (۱۴۲۸ ق). المدرسة القرآنیة. قم: مرکز الابحاث والدراسات التخصصیه.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۸). ترجمه تفسیر المیزان (مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، ج ۴ و ۱۳). قم: انتشارات جامعه مدرسین.

۱۳. عضدانلو، حمید. (۱۳۸۶). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. تهران: نشر نی.
۱۴. علی‌خانی، علی‌اکبر. (۱۳۸۴). توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی علیه السلام. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۱۵. قدیمی، مهدی؛ قاسمی، حامد. (۱۳۹۱). تحلیل ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی و کیفیت سکونت‌گاهی حاشیه‌نشینان در راستای توانمندسازی (مطالعه موردی ناحیه سه از منطقه سه شهر مشهد)؛ مشهد: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی.
۱۶. قرائتی، محسن. (۱۳۷۸). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۷. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع لاحکام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۸. گودرزی، حسین. (۱۳۸۵). مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی. تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
۱۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶). مجموعه آثار شهید مطهری. قم: انتشارات صدرا.
۲۰. مقصودی، مجتبی. (۱۳۷۸). نظریه استعمار داخلی و توسعه ناموزون در تحلیل منازعات قومی؛ اطلاعات سیاسی - اقتصادی؛ شماره ۱۴۹ و ۱۵۰، صص ۷۰-۷۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- * The Holy Qur'an
 - * Nahj al-Balagha
1. Ajili, H. (2011). *Jews and Zionism from the perspective of the Holy Qur'an*. Tehran: Imam Sadegh University. [In Persian]
 2. Ali Khani, A. A. (2005). *Political development from Imam Ali's point of view*. Tehran: International Publishing Company. [In Persian]
 3. Azdanlou, H. (2007). *Getting to know the basic concepts of sociology*. Tehran: Ney Publications. [In Persian]
 4. Do'aguyan, D., & Abdul Rahmani, R. (2017). The role of the media in the spread of ethnic conflicts in the border regions of West Azarbaijan province. *Journal of Border Studies*, 17, p. 63. [In Persian]
 5. Ghadimi, M., & Ghasemi, H. (2012). *An Analysis of socio-economic characteristics and residential quality of marginal residents in the direction of empowerment (case study of district three of three districts of Mashhad)*; Mashhad: Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University. [In Persian]
 6. Gudarzi, H. (2006). *Basic concepts in ethnic studies*. Tehran: Iranian Civilization Publications. [In Persian]
 7. Ibn Jawzi, A. (2001). *Zad al-Masir fi Ilm al-Tafsir* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi. [In Persian]
 8. Jafari, M. N. (2012). *Obstacles to social development in Afghanistan with an Islamic approach*. Master's thesis. Qom: Higher Educational Institute for Humanities. [In Persian]
 9. Javadi Amoli, A. (2010). *Tasnim Tafsir of the Holy Quran*. Qom: Esra Publishing Center. [In Persian]
 10. Locke, J. (2004). *A letter about tolerance* (K. Shirzad Golshahi, Trans.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]

11. Maqsoodi, M. (1999). The theory of internal colonialism and uneven development in the analysis of ethnic conflicts; *Political-Economic Information*; 149 & 150, pp. 70-73. [In Persian]
12. Motahari, M. (2007). *A collection of Works of Shahid Motahhari*. Qom: Sadra Publications. [In Persian]
13. Qara'ati, M. (1999). *Tafsir Noor*. Tehran: Cultural Center of Lessons from the Qur'an. [In Persian]
14. Qurtubi, M. (1985); *Al-Jami Le Ahkam Al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosro Publications. [In Persian]
15. Rashidreza, M. (n.d.) *Tafsir al-Manar*. Beirut: Dar al-Ma'arifa.
16. Sadr, S. M. B. (2007). *Al-Madrisa al-Qur'aniyah*. Qom: Center for Research and Special Studies. [In Arabic]
17. Sadr, S. M. B. (n.d.) *An introduction to the interpretation of the Qur'an*. Beirut: Dar al-Tawheed al-Islami.
18. Seyed Qutb, E. (2010). *Fi Zilal al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Shorouh. [In Arabic]
19. Soyouti, A. (2008) *Al-Jaami al-Saghir fi Ahadith al-Bashir al-Nazir*. Beirut: Dar al-Fekr le Tab'a va al-Nashr va al-Tawzi'. [In Arabic]
20. Tabatabaei, S. M. H. (1999). *Translation of Tafsir al-Mizan* (M. B. Mousavi Hamedani, Trans.). (Vol. 13 & 4). Qom: Teachers' Society Publications. [In Persian]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی